

گزیده بیانات «سوزن بانان پیشرفت علمی کشور»

منبع : پایگاه اطلاع‌رسانی KHAMENEI.IR

توسعه و تعمیق روز به روز گفتمان پیشرفت علمی کشور و هدایت جریان عمومی کشور به خصوص در حوزه‌ی نخبگان و دانشگاهیان در این مسیر یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مسائل مورد تأکید و پیگیری رهبر معظم انقلاب اسلامی بوده و هست. ایشان در این زمینه ضمن یادآوری دائمی اهمیت موضوع، وظایف گروه‌های مختلف نخبگانی را تبیین نموده‌اند.

از نگاه رهبر انقلاب یکی از مهم‌ترین نقش‌ها در این عرصه به اساتید دانشگاه اختصاص دارد :

"امروز تصمیم دانشگاهیان و همت دانشگاهیان، مثل نقش سوزن‌بانی است که دو مسیر ریلی را بکلی از هم جدا می‌کند. شما الان سوزن‌بانی؛ می‌توانید با همتی که در این برهه‌ی از زمان می‌کنید، ریل حرکت ملت ایران را به سمت رفاه و عزت و ترقی و استقلال کامل قرار بدهید؛ و می‌توانید خدای نکرده با عدم تحرک لازم و با عدم اجابت به نیاز امروز، جور دیگری عمل کنید و نتیجه‌ی دیگری حاصل بشود. ۱۳۸۶/۰۲/۲۵"

آنچه در ادامه می‌آید گزیده‌ای از مطالبات رهبر انقلاب اسلامی از اساتید دانشگاه در مسیر پیشرفت علمی کشور و ساختن دانشگاهی در طراز ارزشهای اسلامی و ایرانی است:

مطالبات رهبر انقلاب اسلامی از اساتید دانشگاه در مسیر پیشرفت علمی کشور

مطالبات	زمینه
۱. کارِ همراه با آگاهی و بصیرت در زمینه دیپلماسی علمی	مسائل علمی
۲. گره زدن تحقیقات دانشگاهی با صنعت و تجارت	
۳. درگیر شدن همه ظرفیت دانشگاهی در بحث پیشرفت علم	
۴. وارد شدن به میدان نوآوری علمی	
۵. معطوف شدن تولید مقالات علمی به نیازهای کشور	

۶. جلوگیری از تشکیل حلقه‌های بسته در فضای تدریس دانشگاهی	
۷. تحرک، مطالعه و توجه به اطلاعات و نشریات علمی	
۸. هدایت دانشجویان به سوی فضای نوآوری علمی	
۹. توجه به کارگاه‌های آموزشی و اردوهای علمی	
۱۰. اهتمام جدی به شاگردپروری	
۱۱. جدی گرفتن مسئله تحقیق	
۱۲. شجاعت علمی داشتن و پرهیز از کار تقلیدی در همه بخشها	
۱۳. تلاش برای شکستن مرزهای دانش	
۱. استفاده از پیشرفت علمی برای گسترش و نفوذ زبان فارسی	مسائل فرهنگی - تربیتی
۲. پرورش امید به حرکت در جوانان دانشجو	
۳. توسعه فرهنگ مجاهدت برای جبهه‌ی حق در دانشگاه	
۴. ایفای نقش تربیتی برای دانشجویان	
۵. مسئول دانستن خود در قبال نسل دانشجو	
۶. قدرت تحلیل دادن به دانشجو و امیدبخشی به او	
۷. ترویج خودباوری در دانشگاه	
۸. ارتباط و تعامل مستمر با دانشجویان	
۹. پایبند کردن جوان دانشجو به هویت و باور ملی	
۱. حفظ و تقویت گفتمان علم و پیشرفت علمی در دانشگاه	مسائل گفتمانی - تحلیلی
۲. جلوگیری از حرکت دانشگاه به سمت مسائل پوچ	
۳. توجه به الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی	
۴. توجه به ترکیب علم و دین	
۵. آشنایی با واقعیات کشور و حقایق جهان	
۶. برخورد ایجابی با رویکردهای غربی	
۷. توجه به کمبودها همراه با نگاه امیدوارانه	
۸. استفاده از فرهنگ عمیق اسلامی برای تولید علم در زمینه علوم انسانی	

مسائل علمی:

کار همراه با آگاهی و بصیرت در زمینه دیپلماسی علمی

توجه داشته باشید که طرف مقابل [جبهه‌ی دشمن] روی این نکته بخصوص توجه دارد، روی این نکته برنامه‌ریزی میکنند. بر روی همین نقطه‌ی «دیپلماسی علمی» برنامه‌ریزی میکنند و اهداف خودشان را دنبال میکنند. اگر با توجه، با آگاهی، با بصیرت، کار انجام بگیرد، ما کاملاً موافق هستیم. از پیشرفت علمی ما هم راضی نیستند. بخشی از این کارهایی که امروز در زمینه‌ی تحریم و امثال اینها مشاهده میکنید، مربوط به همین است که نمیخواهند جامعه‌ی ایرانی به این اقتدار درونزا دست پیدا کند؛ که اقتدار علمی، یک اقتدار درونزا است. ۱۳۹۲/۰۵/۱۵

گره زدن تحقیقات دانشگاهی با صنعت و تجارت

باید اصرار بر نوآوری علمی در دانشگاه وجود داشته باشد؛ اصرار بر قرار گرفتن پیشرفتهای علمی در خدمت نیازهای کشور، که یکی از جهتگیری‌ها و معیارهای اساسی این است. بالاخره ظرفیتهای محدود است - هم ظرفیتهای انسانی، هم ظرفیتهای مالی و مادی - حتماً باید توجه شود که کار علمی ما در جهت نیاز کشور باشد. ما نیازهای گوناگونی داریم که دانشگاه میتواند به این نیازها پاسخ دهد، این خلأها را پر کند...

ما در زمینه‌های اقتصادی، در زمینه‌های فرهنگی، در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های مدیریتی میتوانیم این خلأهایی را که وجود دارد، پر کنیم؛ دانشگاهها میتوانند موضوعات پژوهشی را در دستور کار قرار دهند و این خلأها را پر کنند. بنابراین یکی از معیارها و ضابطه‌ها باید این باشد که کار علمی در خدمت نیازهای کشور قرار بگیرد.

اصرار بر گره خوردن تحقیقات دانشگاهی با صنعت و تجارت؛ این حرفی است که ما ده دوازده سال آن را تکرار کردیم، به دولتها هم گفتیم، به دانشگاهها هم گفتیم؛ البته تا حدود زیادی هم تحقق پیدا کرده، اما به طور کامل نه. این موضوع، هم برای دانشگاهها مفید است، هم برای صنعت ما، و همچنین برای تجارت ما، و همچنین برای کشاورزی ما. ۱۳۹۲/۰۵/۱۵

درگیر شدن همه ظرفیت دانشگاهی در بحث پیشرفت علم

بخش مهمی از ظرفیت دانشگاهی کشور ما هنوز درگیر پیشرفت علمی نیستند. همه‌ی ظرفیت دانشگاهی باید درگیر بحث پیشرفت علم بشود. دانشگاههای گوناگون، اساتید در همه جا، دانشجویها - بخصوص

دانشجوه‌های نخبه و خوشفکر که در بینشان نابغه هم پیدا میشوند - همه باید درگیر پیشرفت علم باشند.

۱۳۹۰/۰۶/۰۲

وارد شدن به میدان نوآوری علمی

فرهنگ نوآوری در دانشگاه باید گسترش پیدا کند. همه‌ی این ظرفیت چند میلیونی استاد و دانشجوی ما باید وارد میدان نوآوری علمی بشوند؛ این باید بشود فرهنگ. دانشجوی ما از اول باید به فکر فراگرفتن برای تولید کردن دانش باشد، نه فراگرفتن برای تقلید کردن و همین طور یک چیزی را پذیرفتن که دیگر قابل

تغییر هم نیست. ۱۳۹۰/۰۶/۰۲

معطوف شدن تولید مقالات علمی به نیازهای کشور

باید جووری باشد که مقالات علمی ما متوجه به نیازهای کشور باشد. اینجا یک آماری را از مقالات علمی در زمینه‌ی بهداشت و سلامت دادند. در کل مسائل علمی کشور، مقالاتی که نوشته میشود، نود درصد آنها باید ناظر باشد به مسائل داخلی کشور و نیازهای کشور. نود درصد پایان‌نامه‌ها باید متوجه به حل مشکلات کشور

باشد. ۱۳۹۰/۰۶/۰۲

جلوگیری از تشکیل حلقه‌های بسته در فضای تدریس دانشگاهی

من طرفدار این نیستم که در عالم تدریس، حلقه‌های بسته‌ای درست شود که جوانهایی که فرزندان آن اساتید هستند و میخواهند وارد میدان شوند، راهی به آنها داده نشود؛ نه، بایستی از تشکیل حلقه‌های بسته در سطوح هیئت علمی و آموزشی مانع شد؛ باید اجازه داد جوانها بیایند. اما اساتید پیشکسوت، اساتید باتجربه، سابقه‌دار در رشته‌های مختلف، از ذخائر نظام هستند؛ از اینها باید حداکثر استفاده بشود.

۱۳۸۷/۰۷/۰۳

تحرك، مطالعه و توجه به اطلاعات و نشریات علمی

هرگونه تدریسی که در یک کلاس، ناشی از بی‌حوصلگی، ناشی از کم‌وقتی، ناشی از بی‌اهتمامی و بی‌اعتنایی به درس، بی‌اعتنایی به دانشجو، بی‌اعتنایی به وقت و ساعت انجام بگیرد، مناسب شأن دانشگاه امروز کشور ما نیست. من تأیید می‌کنم که ما بایستی اساتید استخوان‌دار و قدیمی قوی و باارزش را با اصرار در دانشگاه حفظ کنیم - که دوستان اشاره کردند - در کنار این مؤکداً عرض می‌کنم که بایستی از اساتید جوان و پرانگیزه هم استفاده بشود و وارد بشوند. ما نباید در هیچ بخشی دچار کمبود استاد و خلاء استاد باشیم. امروز راه هم برای این باز است. خوشبختانه دانشجویهایی که دوره‌های تکمیلی را می‌گذرانند، رتبه‌های خوبی

دارند، رتبه‌های بالایی دارند و استعداد‌های خوبی دارند، می‌توانند در تدریس دانشگاه‌ها نقش ایفا کنند. بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های قدیمی، آیهی قرآن نیست که نشود آن را عوض کرد. به موقعیت‌ها نگاه کنید و دانشگاه را از لحاظ تدریس به یک میدان پرتحرک تبدیل کنید؛ با تعامل دانشجو با استاد، تحرک استاد، مطالعه‌ی استاد، دسترسی استاد به مراکز علمی و اطلاعات علمی و نشریات علمی - که امروز خوشبختانه با رواج اینترنت و چیزهای دیگر، خیلی از گذشته آسانتر شده - دانشگاه را به یک مجلس عمومی دائماً در حال مباحثه و در حال کار تبدیل کنید؛ دانشجو را رشد بدهید و تربیت کنید. ۱۳۸۶/۰۲/۲۵

هدایت دانشجویان به سوی فضای نوآوری علمی

درباره‌ی بحث تولید علم و مسأله‌ی جنبش نرم‌افزاری - که ما مطرح کردیم - مراکز تحقیقی جواب دادند، دانشگاه‌ها هم در سطوح محققین و اساتید جواب دادند و از این جهت بنده حقیقتاً خشنودم؛ منتها در سطح دانشجویان و جوانان این معنا جدی گرفته نشده و تحقق پیدا نکرده؛ در حالی که از استعداد جوان و نیروی جوان، خیلی باید استفاده کرد. این کار، کار اساتید است. بخصوص دانشجویان دوره‌های تکمیلی، اگر بوسیله‌ی استاد راهنمایی بشوند، می‌توانند حقیقتاً در نوآوری علمی، همان اساتید خودشان را در مواردی پشت سر بگذارند. گاهی استاد، شاگردی را راهنمایی می‌کند و دست‌گیری علمی می‌کند و آن شاگرد با دست‌گیری استاد، از خود استاد جلوتر می‌رود؛ از این قبیل موارد زیاد اتفاق افتاده است. این را بایستی تحقق بخشید. ۱۳۸۶/۰۲/۲۵

توجه به کارگاه‌های آموزشی و اردوهای علمی

یک مسأله هم در مورد رشد دادن به دانشجویها - که اشاره کردم - کارهایی است که به عهده‌ی اساتید و به عهده‌ی مدیریت‌هاست؛ اینجا مخاطب فقط اساتید نیستند؛ مدیریت‌ها هم هستند. این کارها را واقعاً در برنامه بگذارید؛ مثل کارگاه‌های آموزشی؛ مثل اردوهای علمی؛ مثل جایزه به نوآوری‌ها؛ مثل مطالبه‌ی دستگاه صنعت از محقق جوانی که در دانشگاه دارد یک کاری را انجام می‌دهد.. ۱۳۸۶/۰۲/۲۵

اهتمام جدی به شاگردپروری

اساتید باید یکی از اهتمام‌هایشان شاگردپروری باشد. ارزش استاد، اعتبار استاد در بیرون، به شاگردان اوست. در حوزه‌های علمیه‌ی ما هم همینطور است. آن استاد، آن فقیه یا اصولی یا حکیمی ارزش بیشتری در چشمها دارد که آثار وجودی او به شکل شاگردان و تلامذه‌ی برجسته‌ی او، خودش را نشان بدهد. شاگردپروری کنید. این افرادی که می‌آیند در کلاسهای درس شما - چه در دوره‌های کارشناسی، چه در دوره‌های تحصیلات تکمیلی - می‌نشینند و شما با اینها به عنوان استاد مواجه میشوید، اینها را نباید به

حساب یک مستمع یک سخنرانی، یک منبر به حساب آورد؛ نه، باید مثل مصنوعی که اینها را می‌خواهید با دست خودتان بسازید، با اینها برخورد کنید. البته استعدادها یکسان نیست، شوقها یکسان نیست، زمینه‌ها و فضاهای گوناگون یکسان نیست؛ اما این هدف برای اساتید، به نظر من یک هدف جدی باید باشد. نگاه کنید ببینید چقدر شاگرد پرورش دادید. شاگرد فقط آن کسی نیست که سر کلاس حاضر میشود؛ آنی است که به وسیله‌ی شما ساخته میشود و تحویل داده میشود به دنیای علم به عنوان یک نیروی کارآمد و علمی.

۱۳۸۶/۰۷/۰۹

جدی گرفتن مسئله تحقیق

تحقیق، منبع تغذیه‌ی آموزش است. ما اگر تحقیق را جدی نگیریم، باز سالهای متمادی بایستی چشم به منابع خارجی بدوزیم و منتظر بمانیم که یک نفر در یک گوشه‌ی دنیا تحقیقی بکند و ما از او یا از آثار تألیفی بر اساس تحقیق او استفاده کنیم و اینجا آموزش بدهیم. این نمیشود؛ این وابستگی است؛ این همان ترجمه‌گرایی و عدم استقلال شخصیت علمی برای یک کشور و برای یک مجموعه‌ی دانشگاهی است. دانشگاه یک کشور، محیط علمی یک کشور ضمن اینکه ارتباطات علمی خودش را با دنیا حفظ میکند، از تبادل علمی، از گرفتن علمی هیچ ابائی ندارد. من بارها گفته‌ام که ما از شاگردی ننگمان نمیکند که شاگردی کنیم؛ استاد پیدا بشود، ما پیش او شاگردی میکنیم؛ اما از این ننگمان میشود که همیشه و در همه‌ی موارد شاگرد باقی بمانیم؛ این که نمیشود. برای یک مجموعه‌ی علمی، این مایه‌ی منقست است که در پژوهش و تحقیق که منشأ و منبع رویش علمی است، ضعیف باشد؛ باید بتواند از لحاظ علمی متکی به خود باشد. البته از دیگران هم استفاده کند، با دنیا هم تبادل کند، آن وقت در این صورت جایگاه شایسته‌ی خودش را هم در تبادلهای علمی در دنیا پیدا خواهد کرد؛ وقتی متکی است به دانش و تحقیق و کارکرد علمی خود. این در دنیا و در مبادلات علمی هم تأثیر خودش را میگذارد. این هم تأکید چندباره دربارهی تحقیق. ۱۳۸۶/۰۷/۰۹

شجاعت علمی داشتن و پرهیز از کار تقلیدی در همه بخشها

آنچه که اساتید ما برای پیشرفت علم، وجهه‌ی همت خودشان باید قرار بدهند، اولاً «شجاعت علمی» در همه‌ی بخشهاست؛ هم در بخشهای علوم انسانی، هم در بخشهای علوم تجربی، هم در بخشهای نزدیک به عمل و فناوری، و هم در بخشهای علوم پایه. نظریه را دنبال کنند، تولید کنند، خلق کنند، ابداع کنند، نقد کنند؛ چشم‌بسته و تقلیدی نباید کار را دنبال کرد. مشکل ما در گذشته همیشه این بوده که در زمینه‌های مختلف - در همه‌ی زمینه‌های علمی - چشم‌بسته و تقلیدی نگاه کردیم که ببینیم غربیها چه میگویند. درست است که غربیها حداقل دو قرن، دو قرن و نیم از ما در حرکت علمی جلوتر بودند و به مناطق خیلی عجیب و باورنکردنی‌ای هم رسیدند؛ در این تردیدی نیست. ما هم عقب ماندیم؛ با همه‌ی افتخارات

گذشته‌مان، به خاطر تنبلیها و سوءسیاستها؛ در این تردیدی نیست. اما من قبلاً هم گفته‌ام، ما از شاگردی کردن پیش کسی که بلد است، ننگمان نمی‌آید؛ ولی می‌گوییم نباید فکر کنیم که ما همیشه باید شاگرد بمانیم. معنای این نگاه تقلیدی، این است: ما همیشه باید شاگرد بمانیم. نوآوری لازم است. اعتماد به نفس شخصی و اعتماد به نفس ملی در اساتید ما، یک ضرورت است. اولاً، استاد ما شخصاً اعتماد به نفس داشته باشد و کار علمی بکند. به آن کار علمی‌اش تکیه بکند و افتخار کند. ثانیاً، اعتماد به نفس ملی داشته باشد. به قابلیت و تواناییهای این ملت اعتماد داشته باشد. اگر این معنا در یک استاد وجود داشته باشد، این سرریز خواهد شد در محیط درس، در کلاس درس، در انتقال به دانشجو و تأثیر تربیتی خودش را خواهد گذاشت. و ثالثاً پرکاری؛ ما یک مقداری از ناحیه‌ی کم‌کاریهایمان و تنبلیهایمان - در بخشها و سطوح مختلف - ضربه خوردیم. باید کار کرد و از کار نباید خسته شد. بنابراین نوآوری و ابتکار، شجاعت علمی، اعتماد به نفس شخصی و ملی و کار متراکم و انبوه، علاج کار پیشرفت علمی ماست. مخاطب این هم اساتید دانشگاهند.

۱۳۸۵/۰۷/۱۳

تلاش برای شکستن مرزهای دانش

من می‌گویم در زمینه‌ی علم و فناوری، آن کاری را که ذهن بشر به آن دست نیافته است، آن را وجهه‌ی همت قرار بدهید و دنبال بکنید؛ این طوری است که ما خط مقدم علم را شکسته‌ایم و یک قدم به جلو برداشته‌ایم. آن وقت می‌توانیم این را ادعا بکنیم؛ و این ممکن است. البته برداشتن قدمهای جدید، مستلزم پیمودن راههای رفته‌شده و طی‌شده‌ی به وسیله‌ی دیگران است؛ در این شکی نیست. اما هیچ‌وقت نباید ذهن را از کاوش و جستجو برای یافتن راههای میانبر محروم و ممنوع کرد. ما این را در کشور لازم داریم.

۱۳۸۵/۰۷/۱۳

مسائل فرهنگی-تربیتی:

استفاده از پیشرفت علمی برای گسترش و نفوذ زبان فارسی

از پیشرفت علمی در کشور برای گسترش و نفوذ زبان فارسی استفاده شود. زبان خیلی مهم است برادران و خواهران عزیز! اهمیت زبان ملی یک کشور برای خیلی‌ها هنوز دانسته و شناخته نیست. زبان فارسی باید گسترش پیدا کند. باید نفوذ فرهنگی زبان فارسی در سطح جهان روزبه‌روز بیشتر شود. فارسی بنویسید، فارسی واژه‌سازی کنید و اصطلاح ایجاد کنید. کاری کنیم که در آینده، آن کسانی که از پیشرفتهای علمی کشور ما استفاده میکنند، ناچار شوند برون زبان فارسی را یاد بگیرند. این افتخاری نیست که ما بگوئیم حتماً

زبان علمی کشور ما فلان زبان خارجی است. زبان فارسی اینقدر ظرفیت و گنجایش دارد که دقیق‌ترین و ظریف‌ترین علوم و دانشها میتوانند با این زبان بیان شوند. ۱۳۹۲/۰۵/۱۵

پرورش امید به حرکت در جوانان دانشجو

الان در سطح جهان، رتبه‌ی شانزدهم علمی متعلق به ایران است. کسی باورش می‌آمد؟ این را مراکز آماري معتبر دنیا اعلان کردند. آن وقت یک مرکزی پیش‌بینی میکند، میگوید تا سال ۲۰۱۸ ایران به رتبه‌ی علمی چهارم در دنیا خواهد رسید. امکانات کشور و توانائی‌های کشور اینجوری است. سهم ایران در تولید علم، الان در دنیا دو درصد است؛ یعنی دو برابر آنچه که به طور طبیعی ایران میتواند و باید در تولید علم دنیا سهم داشته باشد. اینها چیزهای برجسته‌ای است، اینها چیزهای مهمی است.

بنابراین ما باید امید را افزایش دهیم؛ من این را میخواهم عرض کنم. ما باید کارهای زیادی را در سطوح دولتی، در سطوح مسئولان بالا انجام دهیم؛ اما آنچه که اساس قضیه است، این است که شما در کلاسهای درس، چه در آموزش و پرورش، چه در دانشگاه، امید به حرکت را در این جوان و مخاطب خودتان پرورش دهید؛ این مثل یک گلوله‌ای خواهد شد و پیش خواهد رفت. اگر یک چنین اتفاقی بیفتد، کشور از وجود او حداکثر استفاده را خواهد کرد. سعی کنیم نشاط ایجاد کنیم، امید ایجاد کنیم. خطراتی بر سر راه جوانها وجود دارد؛ یکی از خطرات، ناامیدی است؛ که باید از القاء ناامیدی بشدت پرهیز کرد. ۱۳۹۱/۰۷/۲۰

توسعه فرهنگ مجاهدت برای جبهه‌ی حق در دانشگاه

فرهنگ تلاش و مجاهدت برای جبهه‌ی حق باید در دانشگاه توسعه پیدا کند. از جمله‌ی مطالبی هم که دوستان گفتند، یکی همین است؛ فرهنگ معنویت و اخلاق، یا آنچنان که یکی از آقایان بیان کردند، هنر به معنای آزادگی، به معنای سربلندی، به معنای ارزش؛ این کاملاً درست است. این فرهنگ باید در دانشگاه توسعه پیدا کند. در این مورد، نقش اساتید، نقش بسیار برجسته‌ای است؛ و این همان فرماندهی جنگ نرم است که من مکرر مطرح کردم و گفتم اساتید فرماندهان جنگ نرمند. ۱۳۹۱/۰۵/۲۲

ایفای نقش تربیتی برای دانشجویان

نقش استاد در محیطهای آموزشی نقش بسیار برجسته و مهمی است. استاد فقط آموزنده‌ی دانش نیست؛ بلکه منش استاد و روش استاد میتواند مربی باشد؛ استاد، تربیت کننده است. تأثیر استاد روی شاگرد، علی‌الظاهر از تأثیر بقیه‌ی عوامل مؤثر در پیشرفت علمی و معنوی و مادی متعلم بیشتر است؛ از بعضی که خیلی بیشتر است. گاهی استاد میتواند یک کلاس را، یک مجموعه‌ی دانشجو یا دانش‌آموز را با یک جمله‌ی بجا تبدیل کند به انسانهای متدین. لازم هم نیست حتماً رشته‌ی علوم دینی یا معارف را تدریس کند؛ نه،

شما گاهی یک جا در درس فیزیک، یا در درس ریاضی، یا در هر درس دیگری - علوم انسانی و غیر انسانی - می‌توانید یک کلمه بر زبانتان جاری کنید، یا یک استفاده‌ی خوب از یک آیه‌ی قرآن بکنید، یا یک انگشت اشاره به قدرت پروردگار و صنع الهی بکنید که در دل این جوان میماند و او را تبدیل میکند به یک انسان مؤمن. استاد اینجوری است. ۱۳۸۹/۰۴/۰۲

مسئول دانستن خود در قبال نسل دانشجو

حقیقتاً حمایت از دانشگاهیان باید سیاست همیشگی باشد. اما توجه بشود که دانشگاهیان در سایه‌ی این حمایتی که از آنها میشود - چه حمایت معنوی، چه حمایت مادی - حقیقتاً خودشان را در قبال نسل دانشجو، در قبال آینده‌ی علم در کشور، در قبال اصلاح نظام آموزشی - که حتماً نیاز به اصلاح دارد - مسئول بدانند؛ حضورشان را در دانشگاه‌ها تقویت کنند؛ خودشان را در معرض استفاده‌ی معنوی و علمی فکری دانشجویان قرار بدهند. ۱۳۸۸/۰۶/۰۸

قدرت تحلیل دادن به دانشجو و امیدبخشی به او

اگر در زمینه‌های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل کشور، آن چیزهایی که به چشم باز، به بصیرت کافی احتیاج دارد، جوان دانشجوی ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید، رتبه‌ی بالاتر افسر جوانید؛ شما فرمانده‌ای هستید که باید مسائل کلان را ببینید؛ دشمن را درست شناسائی بکنید؛ هدفهای دشمن را کشف بکنید؛ احياناً به قرارگاه‌های دشمن، آنچنانی که خود او نداند، سر بکشید و بر اساس او، طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان، حرکت کنید. در رتبه‌های مختلف، فرماندهان بالا این نقشها را ایفا میکنند.

خوب، حالا استادی که بتواند این نقش را ایفا کند، آن استاد شایسته‌ی حال و آینده‌ی نظام جمهوری اسلامی است. توقع از اساتید محترم این است. جوانهایتان را توجیه کنید. منظوم این نیست که بنشینید زید و عمرو سیاسی را برایشان معرفی کنید. نه، اصلاً من موافق هم خیلی نیستم. اسم آوردن از زید و عمرو و بکر و ... این چیزها، کمکی به حل مشکل نمیکند. به اینها قدرت تحلیل بدهید. به اینها توان کار و نشاط کار بدهید. چه جور؟ با امید دادن؛ با امید بخشیدن. فضای کلاس را، فضای محیط درس و دانشگاه را فضای امید کنید؛ امید به آینده. بدترین بلائی که ممکن است بر سر یک نسل در یک کشور بیاید، ناامیدی است، یأس است. اینکه میگویند: آقا! چه فایده دارد؟ فایده‌ای ندارد. این روحیه‌ی «فایده‌ای ندارد» - یأس از آینده - سم مهلک همه‌ی فعالیتهاست؛ چه فعالیتهای اجتماعی و سیاسی، چه حتی فعالیتهای علمی، فعالیتهای

پژوهشی. ۱۳۸۸/۰۶/۰۸

ترویج خودباوری در دانشگاه

هم دستگاه‌های مدیریتی، هم اساتید، در داخل دانشگاه‌ها خودباوری را ترویج کنید. جوانی که تحت تربیت و تحت آموزش و تعلیم شماسست، باید به خود اعتماد داشته باشد - آن اعتماد به نفس ملی که عرض کردیم. بحث این نیست که شخصی به خودش اعتماد دارد، بحث این است که ما به خصال ملی خودمان، به امکانات ملی خودمان، به ذخائر فرهنگی خودمان، یک اعتماد به نفس عمومی داشته باشیم که به آن گفتیم اعتماد به نفس ملی - این حالت بایست در یکایک جوانهای ما بروز پیدا کند؛ یعنی جوان ما وقتی که می‌ایستد اینجا حرف میزند، باید اعتماد به نفس ملی خود داشته باشد؛ چون جوان، مظهر امید است. ۱۳۸۷/۰۷/۰۳

ارتباط و تعامل مستمر با دانشجویان

ارتباط استاد و دانشجو به سر کلاس منحصر نماند و دانشجو فرصت داشته باشد که به استاد مراجعه کند، از او بپرسد، از او توضیح بخواهد، از او بیشتر فرا بگیرد؛ بلکه در مواردی استاد، شاگرد را بخواهد در اطاق خود و یک نکته اضافی و تکمیلی را به او تفهیم کند یا یک تکلیف را از او بخواهد، یک مأموریت علمی و تحقیقی به او بدهد، که همه‌ی اینها متوقف است بر حضور اساتید در دانشگاهها. ۱۳۸۶/۰۷/۰۹

پایبند کردن جوان دانشجو به هویت و باور ملی

تربیت دینی دانشجویان، بایستی یکی از اهداف مجموعه‌ی اساتید دانشگاهی کشور باشد. دانشجو را باید هم متدین و هم دارای باورهای ملی - همان اعتماد به نفس ملی که عرض کردیم - بار آورد. خلاف این را من گاهی از بعضی از دانشگاهها و بعضی از کلاسهای درس میشنوم. استادی می‌آید طوری درباره‌ی کشور حرف میزند که دانشجو از اینکه ایرانی است، بیزار میشود. این بی‌انصافی است؛ این برخلاف مصلحت این جوان و برخلاف مصلحت این نسل عمل کردن است. باید جوان را به هویت ملی و باورهای ملی خودش پایبند کرد؛ طوری که افتخار کند که ایرانی است و افتخار هم دارد. واقعاً افتخار دارد ایرانی بودن؛ آن هم ایرانی که امروز به خاطر مواضع سیاسی‌اش و مواضع بین‌المللی‌اش در دنیای اسلام، عزیزترین است. اگر شما امروز در همه جای دنیای اسلام بروید، نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران، عزیزترین ملت در چشم ملتها هستند؛ از شرق دنیای اسلام بگیرید تا غرب دنیای اسلام؛ از آسیا تا آفریقا؛ همه جا همین‌طور است. خوب، جوان ایرانی به این موقعیتی که دارد، علاوه‌ی بر موارث فرهنگی تاریخی‌اش و افتخارات تاریخی‌اش، و علاوه بر استعدادهای موجود کشور - انسانی و طبیعی - چرا دلخوش نباشد؟ چرا او را مأیوس کنیم؟ ۱۳۸۵/۰۷/۱۳

مسائل گفتمانی - تحلیلی:

حفظ و تقویت گفتمان علم و پیشرفت علمی در دانشگاه

خب، نکته‌ای که بر این اساس بنده اصرار دارم در ذهن آقایان و خانمها و اساتید محترم مطرح باشد، این است که «گفتمان علم و پیشرفت علمی» و «گفتمان پیشرفت عمومی کشور» - یعنی انگیزه برای سهیم شدن دانشگاه در پیشرفت کشور - در دانشگاه باید حفظ شود؛ که البته امروز وجود دارد، اما باید حفظ و تقویت شود. هیچ چیزی نباید با این گفتمان در دانشگاه مزاحمت کند. ۱۳۹۲/۰۵/۱۵

جلوگیری از حرکت دانشگاه به سمت مسائل پوچ

همه مراقبت کنند - هم استادان، هم مدیران، هم مؤثرین و متنفدین در دانشگاهها - که فضای دانشگاه به سمت مسائل پوچ حرکت نکند؛ فضا، فضای دنباله‌گیری مسائل اصلی و اساسی باشد؛ گفتمان علم و گفتمان پیشرفت علمی و گفتمان پیشرفت عمومی کشور بر دانشگاهها همچنان حاکم باشد. البته اینجا هم دشمنانی هستند که مایلند حتی مسائل صنفی در دانشگاهها به سمت مسائل سیاسی و جنجالهای سیاسی گرایش پیدا کند؛ از این باید پرهیز کرد. این برای یک دانشگاه افتخار نیست که مسائل اساسی آن تحت الشعاع مسائل کوچک و کم‌اهمیت و احياناً تحت تأثیر جریانهای سیاسی واقع شود. فضای دانشگاه باید یک فضائی باشد که در آنجا علم و عالم بتواند زیست مناسب خودش را داشته باشد. ۱۳۹۲/۰۵/۱۵

توجه به الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی

ما اگر دنبال پیشرفت هستیم و پیشرفت علمی را شرط لازم پیشرفت عمومی کشور میدانیم، توجه داشته باشیم که مراد ما از پیشرفت، پیشرفت با الگوی غربی نیست. دستور کار قطعی نظام جمهوری اسلامی، دنبال کردن الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی است. ما پیشرفت را به شکلی که غرب دنبال کرد و پیش رفت، نمیخواهیم؛ پیشرفت غربی هیچ جاذبه‌ای برای انسان آگاه امروز ندارد. ۱۳۹۲/۰۵/۱۵

توجه به ترکیب علم و دین

اگر دانشگاه ما یک دانشگاه علمی محض باشد، اما تویش دین و اخلاق نباشد، همان بلائی بر سر جامعه‌ی ما و کشور ما و آینده‌ی ما خواهد آمد که بر سر جامعه‌ی دانشمند غرب آمد. غرب جامعه‌ی دانشمندی است، اما جامعه‌ی خوشبختی نیست. در آنجا امنیت اخلاقی نیست، امنیت روانی نیست، انسجام خانوادگی نیست،

اخلاق نیست، معنویت نیست. خلأهای عمده‌ی بشر اینهاست. اینها خوشبختی نیست؛ ما این را نمیخواهیم. ما خوشبختی میخواهیم، ما امنیت حقیقی و معنوی میخواهیم. بدون علم نمیشود، با علم بدون دین هم نمیشود؛ دین لازم است. جامعه باید جامعه‌ی دینی باشد؛ در رأس آن هم دانشگاه است. دانشگاه باید دانشگاه متدین باشد. در مفهوم «متدین» از عرایض من تلقی غلط نشود. تدین به معنای معرفت عمیق دینی، ایمان عمیق و باور ژرف به دین و معارف دینی است، که طبعاً عمل به دنبالش می‌آید؛ باید دنبال این باشیم. این وظیفه‌ی همه است، از جمله شما اساتید محترم. ۱۳۹۰/۰۶/۰۲

آشنایی با واقعیات کشور و حقایق جهان

اساتید عزیز دانشگاه، هم با واقعیات و حقایق کشور، و هم با حقایق جهان باید آشنا باشند؛ این یک تلاشی را میطلبد. در همه‌ی حوزه‌های علمی، همین جور است. عالم معلمی که جماعتی از او استفاده میکنند، اگر به زمان خود عالم نباشد، دچار مشکلات خواهد شد. «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللّوایس»؛ کسی که زمانه را میشناسد، یعنی وقتی اوضاع و احوال محیط خود و محیط پیرامونی‌اش و محیط جهان را میداند و میفهمد جریانهای گوناگون جهانی کی‌هایند، کجایند، اهدافشان چیست، چه جور با هم مواجه میشوند، دچار اشتباه نمیشود؛ در قضایای گوناگون، قضاوت اشتباه نمیکند و دچار اشتباه نمیشود. ۱۳۹۰/۰۶/۰۲

برخورد ایجابی با رویکردهای غربی

یکی از آقایان اشاره کردند که ما در برخورد با علوم انسانی کنونی، به جای برخورد سلبی با رویکردهای غربی، برخورد ایجابی بکنیم؛ به معنای اینکه رویکردهای اسلامی را مطرح کنیم. بله، اساس قضیه همین است؛ شکی نیست. در خلأ که نمیشود زندگی کرد. وقتی مسئله مطرح شد، پاسخ میخواهد؛ یا پاسخ اوست، یا پاسخ ماست؛ منتها مهم دو چیز است: یکی اینکه همین پاسخی که ما داریم، باید تدوین شود - این کار را شما باید بکنید، این را اساتید حوزه و دانشگاه باید بکنند؛ کی این کار را بکنند؟ این که دیگر کار دولتی نیست - دوم اینکه جرأت مناقشه‌ی در رویکرد کنونی غربی ناشی از لیبرال دموکراسی به وجود بیاید؛ این دو چیز لازم است. این هر دو چیز دست شماست؛ دست اساتید متخصص در علوم انسانی است. ۱۳۸۹/۰۶/۱۴

توجه به کمبودها همراه با نگاه امیدوارانه

باید پیش برویم و باید باور کنیم که «میتوانیم». من حرفم این است. شما [اساتید دانشگاه] با این باور و با این نگاه همراه با اذعان و قبول قابلیت این جوانهای مؤمن ما و پیشرفتی که کرده‌اند، کمبودها را یکی یکی بشمرید؛ هیچ اشکالی ندارد. این ما را تشویق خواهد کرد به این که این کمبودها را کم کنیم و روزبه‌روز پیش برویم. جوانی هم که از شما این را میشوند، همچنین تشویق خواهد شد به اینکه پیش برود و شوق و

امید پیشرفت در دل او بیشتر خواهد شد؛ برخلاف اینکه ما نگاهمان، نگاه منفی باشد، نگاه مایوس‌کننده باشد، که این را من قبول ندارم. ۱۳۸۵/۰۷/۱۳

استفاده از فرهنگ عمیق اسلامی برای تولید علم در زمینه علوم انسانی

ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسی‌ای هم که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخشهای اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فراوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم. البته در این قسمت، حوزه و استادان مؤمن و معتقد به اسلام می‌توانند با جستجو و تفحص، نقش ایفا کنند. این‌جا از آن‌جایی است که ما باید به تولید علم برسیم. ۱۳۸۲/۰۸/۰۸